



نقش پادشاهان بهمنی‌ها در گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی در دکن

حسین محمدی^۱، نرگس دهاقین^۲

^۱استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی،

^۲دانش آموخته تاریخ دانشگاه خوارزمی

احمدشاه اول، محمد سوم و... همگی به دیوانسالاران ایرانی، میر فضل‌الله انجو و گاوآن و صوفیانی همچون محمد گیسو دراز و خاندان شیخ نعمت‌الله ولی که از تبار ایرانیان و دارای محبوبیت در میان مردم بودند، جهت اداره و رسیدگی امور مملکت خوداتکا داشتند. دربار پادشاهان بهمنی محفل دانشمندان و شاعران فارسی‌گو، پزشکان، تاریخ نویسان، معماران، خوشنویسان و نقاشانی همچون مغیث شیرازی و شکرالله قزوینی که همگی ایرانی بودند شد. مدرسه گاوآن نماد تبلور سبک معماری ایرانی در دوره بهمنیان است. با مرگ غم‌انگیز گاوآن - این دیوانسالار و تاجر و دانشمند سیاستمدار ایرانی که با تمام توان و دلسوزی در استحکام حکومت بهمنیان و حفظ موازنه میان دو گروه آفاقی (غریبان) و دکنی (بومیان) سهمی فراوان داشت - شالوده و شیرازه حکومت بهمنیان به یک‌باره از هم پاشید. جانشینان محمد سوم که همگی در دستان امراء و سرداران دربار اسیر بودند و برخی از آن‌ها توسط همین سرداران به قتل رسیدند، اگر هم می‌خواستند دست‌وپایی برای نجات سلطنت بهمنیان بزنند که شاهان پیش از آن‌ها برای پیشرفت آن از لحاظ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... از هیچ کوششی دریغ نکردند، نتوانستند.

بررسی جایگاه ایرانیان شیعه در عرصه علم و سیاست هندوستان از سده ۹ تا ۱۲ هجری، نوشته راضیه نجاتی حسینی، تاریخ تمدن و فرهنگ ایرانی - اسلامی در دوره بهمنیان تألیف محسن معصومی و تعدادی مقالات نوشته‌شده در این زمینه به یک یا دو مورد از مؤلفه‌های فرهنگی اکتفا کرده و یا فقط اقدامات چند پادشاه بهمنی در حیطه فرهنگ و تمدن را مدنظر قرار داده است. از آن جمله می‌توان مقاله مهدی فراهانی منفرد با عنوان مروری بر حضور ایرانیان و نفوذ زبان فارسی در حکومت بهمنیان و مقاله ملوک بهمنی و جایگاه تشیع در دکن تألیف خدیجه عالمی را نام برد که در این تحقیق از آن‌ها استفاده شده است. ویژگی بارز این پژوهش بررسی اقدامات پادشاهان بهمنی در بسط و توسعه فرهنگ ایرانی - شیعی در جنوب هند به ترتیب و تفکیک تاریخ جلوسشان می باشد.

نقش سلاطین بهمنی در گسترش فرهنگ و تمدن ایرانی -

شیعی در دکن

حسن کانگوی بهمنی (۷۶۰-۷۴۸ ه.ق)

چکیده

بافتح دکن توسط مسلمانان از نیمه قرن هشتم تا پایان قرن یازدهم بیش از چهار قرن این منطقه در دست حکومت‌های مسلمان با گرایش به فرهنگ ایرانی و شیعی قرار داشت. پادشاهان حکومت بهمنی برای داشتن پشتوانه اجتماعی و یا به دلیل گرایش‌های مذهبی خود و یا به علل سیاسی و نژادی و... از دانشمندان، هنرمندان، ادیبان و دیوانسالاران مسلمان ایرانی حمایت می‌کردند چنانچه می‌توان گفت بسیاری از این ایرانیان بنا به دعوت شاهان بهمنی به هند آمده و به دربار راه یافتند و زمینه لازم رشد و گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی در دکن را فراهم نمودند، بطوریکه سه حکومت از پنج حکومت منشعب شده از حکومت بهمنیان، یعنی قطب شاهیان، نظام شاهیان و عادل شاهیان حکومت شیعی تشکیل دادند و بر روی سکه هایشان جمله غلام حیدر صفدر یعنی غلام امام علی (ع) حک می‌کردند و در خطبه، نام حکام صفوی را بر نام خود مقدم ساختند و عبارت حی علی خیر العمل را در اذان وارد کردند. این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی است که با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی درصدد آن است که نقش و سهم پادشاهان بهمنی در بسط و گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی را بیان نماید.

کلیدواژه‌ها: هند، پادشاهان بهمنی، فرهنگ ایرانی و شیعی، دکن

مقدمه

حکومت بهمنیان از جمله حکومت‌های مسلمان درد کن در جنوب شبه‌قاره بود که در دوره ۱۸۰ ساله حکومت خود نقشی عمده در گسترش فرهنگ ایرانی - شیعی داشت و این خود اهمیت تحقیق را افزون می‌سازد. مؤسس این سلسله شخصی به نام حسن کانگو بهمنی هست که نسب خود را به سلاطین باستانی ایران یعنی بهمن پسر اسفندیار پیوند داده بود و آن‌ها به خود می‌بالیدند و در اغلب سکه‌ها و فرمان‌ها، خویشتن را ایرانی می‌خواندند (نک، گاوآن، ۱۹۴۸، نامه ۵۱ / هروی، ۲/۱۹۱۱:۳). او توانست با ایجاد آرامش در منطقه دکن زمینه را برای دیگر فرزندان خود جهت اعتلای فرهنگ ایرانی - شیعی آماده سازد. اکثریت قریب به اتفاق سلاطین بهمنی فیروز شاه،